

سوال

معنی **سبحان ربی العظیم** و **سبحان ربی الاعلی** در رکوع و سجود چیست؟ آیا لازم است هنگام گفتن این عبارات در معنای آن تامل نماییم، یا مطلوب تامل در جلال و کمال خداوند به هنگام رکوع، و علو و مقام والایش در هنگام سجود است؟

پاسخ مفصل

الحمد لله.

اولاً:

تسبیح یعنی پاک دانستن الله تعالی از هر گونه نقص و عیب، یعنی اگر گفتی سبحان الله، معنایش این است: ای پروردگار تو را از هر گونه نقص و عیب پاک و به دور می‌دانم.

و **عظیم** به معنای دارای عظمت و بزرگی بسیار است و معنای **اعلی** یعنی هم در ذات خود والا است و هم در صفاتش.

ثانیاً:

لازم این است که نمازگزار در معنای آیات قرآن و انکاری که می‌گوید تامل نماید و هر آیه یا زکری که می‌گوید باید معنای خود آن را به یاد آورد؛ زیرا هر کلمه‌ای از واژه‌های نماز اسرار و حکمت‌ها و معانی خاصی دارد که به اندازه‌ی خشوع قلب و یاد آوردن معنایش به بنده سود می‌رساند و هر چه حضور دل در خشوعش کم شود از سود و خیرش نیز کم می‌گردد.

یاد آوردن معانی و حضور دل تنها مخصوص اقوال نماز نیست، بلکه بنده باید معانی بزرگ کارهای نماز را نیز در یاد داشته باشد.

شیخ ابن عثیمین - رحمه الله - می‌گوید: «یکی از اسباب جلوگیری از حواس پرتی این است که انسان آنچه را می‌گوید و انجام می‌دهد پی‌گیری نماید و در معانی بزرگی که این سخن یا فعل به سببش مشروع شده به خوبی بیندیشد؛ مثلاً در حال رکوع: رکوع برای بزرگداشت پروردگار توسط انسان با فعل و قول مشروع شده است، برای همین است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: **اما در رکوع پروردگار را بزرگ بدارید**. خم شدن در برابر الله عزوجل بزرگداشت عملی اوست، و گفتن سبحانک ربی العظیم، بزرگداشت زبانی است. اکنون تنها این باقی می‌ماند که انسان او را با قلب نیز بزرگ بدارد که

این جز با حضور دل امکان پذیر نیست. بنابراین، در رکوع بزرگداشت قولی و فعلی و قلبی موجود است» (فتوای نور علی الدرب: ۸/۲).

ابن رجب - رحمه الله - می‌گوید: «هرگاه بنده با رکوع و سجود در برابر پروردگارش خاکساری نماید پروردگارش را با صفات عزت و کبریاء و عظمت و علُو توصیف نموده است؛ مانند آنکه می‌گوید: ذلت و تواضع وصف من است و علُو و عظمت و کبریاء توصیف تو. برای همین است که مشروع شده تا بنده در رکوعش **سبحان ربی العظیم** بگوید و در سجود: **سبحان ربی الاعلی**. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نیز گاه در رکوع و سجودش می‌فرمود: **سبحان ذی الجبروت والملکوت والکبریاء والعظمة** (الخشوع فی الصلاة: ۴۱ - ۴۳ با تصرف).

اما این قسمت از پرسش شما که پرسیدید: آیا لازم است هنگام گفتن این عبارات در معنای آن تامل نماییم، یا مطلوب تامل در جلال و کمال خداوند به هنگام رکوع، و علو و مقام والایش در هنگام سجود است؟

پاسخش این است که: مطلوب تامل در معنای آیات و انکاری است که می‌گویید و کارهایی است مانند رکوع و سجود که انجام می‌دهید به هدف بزرگداشت الله متعال، و ذکری است که در این حال مشروع است که دال بر تعظیم و بزرگداشت می‌باشد.

بنابراین، کسی که در انکار رکوع و سجود تامل نماید ناگزیر به تامل در عظمت الله متعال و جلال و بزرگی‌اش خواهد رسید. اما باید این تامل در حد آنچه در نمازش می‌گوید و انجام می‌دهد باشد و در آن مبالغه نکند که این وسوسه‌ی شیطان است تا او را از نمازش مشغول بدارد.

امام غزالی در **احیاء علوم الدین** (۱/ ۱۵۰) می‌گوید: بدان که یکی از نیرنگ‌های او (یعنی شیطان) این است که تو را با یاد آخرت و فکر کردن به انجام نیکی‌ها از فهم آنچه می‌خوانی باز بدارد. بنابراین بدان هر آنچه تو را از فهم معانی قرائت باز بدارد وسوسه است.

والله اعلم